

## روش‌های فقه برای اثربخشی تربیت با رویکرد آیات تربیتی قرآن

□ سید محمدانور علوی \*

### چکیده

فقه تربیتی برای اثربخشی و کارآمد شدن تربیت به دنبال یافتن روش‌های اطمینان بخش است. از این رو همواره قرآن را سرمشق و الگوی خود برای این کار قرار داده و به آیات تربیتی قرآن نگرسته است. چون قرآن از منابع دسته اول فقه در استنباط احکام شرعی برای مکلفان است. اندیشوران فقه تربیتی دریافته‌اند که حرمت نهادن به مرتبی به جای تنبیه بدنی خشن و بیش از اندازه، دادن اختیار و مسئولیت به متریبان برای سوق دادن فعالانه آنان به سوی تربیت شدن و نیز تنظیم برنامه عقلانی، عملیاتی- کاربردی، سودمند برای زندگی متریبان و سرانجام نگرش به تفاوت‌های فردی متریبان و لحاظ توان تاب آوری آنان در برنامه‌های تربیتی؛ مجموعه روش‌های است که تربیت را اثر بخش و کارآمد می‌کند و این روش‌ها را فقه تربیتی از آیات تربیتی قرآن برگرفته است که نیازمند آزمون و خطا نبوده و اطمینان بخش است و در فراروی هر کدام از آنها ثواب و پاداش‌های آخرتی نیز نهفته است که به متریبان اشتیاق و انگیزه فزونتر برای تربیت شدن می‌دهد.

**کلیدواژه‌ها:** اثربخشی، روش‌ها، آیات تربیتی، فقه تربیتی.

## مقدمه

برنامه‌های تربیتی به این امید تدوین، هدف‌گذاری و اجرا می‌گردد که اثر بخش باشد و متریان را به هدف تعیین شده از تربیت برساند و تغییرات نیکو، رشد صفات پسندیده را در آنان ایجاد نماید. ادیان الهی برای همین هدف به میدان آمده‌اند تا مسئولیت هدایت و تربیت انسان را بر دوش گیرد و تردیدی نیست که برنامه‌های تربیتی آن در نهایت دقت و استحکام است و نیز موثر و درست بودن آن قطعی بوده چون از آزمون‌ها سر بلند بیرون آمده است. برنامه تربیتی ادیان کلی و جامع بوده و تمام نظام‌های تربیتی در دایره فرهنگ و ارزشهای دینی رایج حاکم بر جامعه تدوین می‌گردد. به گواهی تاریخ قوانین خوب اگر در دستان مجریان نالایق قرار گیرد اثربخشی خود را از دست می‌دهد. برای اجتناب از این آسیب که همواره متدینان را فرا خوانده است تا چاره‌ای اندیشند. چون عیب‌ها و نارسایی‌های متدینان به خود ادیان نسبت داده شده و دامن کبریایی آن را می‌گیرد در انظار مردمان نارسا و ناکارآمد جلوه می‌کند. در صورت که گوهر ناب ادیان از همه‌ای آنچه بیان شده پیراسته است و عیب‌ها و کاستی‌ها مربوط به متولیان و مجریان دین است. برای رهایی از این کاستی‌ها ضروری است روش‌های کارآمد از منابع فقه کشف گردد و سپس به کار گرفته شود تا برنامه‌های تربیتی را اثر بخش، مطبوع و دل‌پذیر نماید. چون روش‌های ناکارآمد و منسوخ شده تربیتی به جای ایجاد تغییر مثبت و بالنده؛ ملال می‌آفریند و نه تنها اثر بخشی ندارد؛ بلکه گاهی واکنش منفی ایجاد می‌کند. به همین دلیل یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر تاثیر داشتن بیان شده است و می‌آموزد که امر و نهی بدون اثر داشتن کار بیهوده و اتلاف وقت است. این اصل ما را رهنمون می‌سازد که متولیان تربیت باید به دنبال اثر بخشی کارهای تربیتی و معروف باشد و نیز برای باز داشتن از منکر نیز راه موثر بیابد چون با اثر نداشتن، تکلیف امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌گردد و برای ادای تکلیف باید راهی موثر جست تا امر و نهی یا برنامه‌های تربیتی موثر واقع شود. به دلیل این که همه آدمیان تربیت پذیر است و با توجه به تفاوت‌های فردی هرکسی به محرک خاص واکنش نشان می‌دهد. از این رو برای رسیدن به این هدف باید از کارهای تربیتی مرتب باز خورد گرفته شود و با محک نقدهای دیگران آن را سنجش کند تا در مسایل تربیتی به

روش‌های اطمینان بخش دست یابد که کارکرد مطلوب داشته باشد. در این نوشتار برخی از روش‌های فقه برای اثر بخشی برنامه‌های تربیتی بیان می‌گردد به این امید که بتواند برنامه‌های تربیتی اثر بخش گردد و در رسیدن به هدف تربیتی خدمت و یاری رساند. چون روش‌های تربیتی گوناگون است به چند روش عمده از روش‌های فقه برای اثر بخشی تربیت اکتفا می‌شود که از اصول تربیتی قرآن و سنت قابل استنباط است و این موضوع جای کار بسیار دارد و تلاش شده است از محکمت و نصوص قرآنی بهره گرفته تا در قوت و استحکام ادله تردید نشود.

### روش اول: حرمت نهادن به متربی

حرمت نهادن به متربی از جمله روش‌های است که برنامه تربیتی را اثر بخش می‌کند. چون متربی احساس شخصیت و بزرگ منشی می‌کند «مَنْ كَرَمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يَهْنَأْ بِالْمَعْصِيَةِ» (عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، ص ۴۳۹). هر کسی کرامت نفس یابد آن را با نافرمانی خداوند، خوار نمی‌گرداند. این حدیث منصوص العله است و نتایج حرمت نهادن به صراحت و روشنی در خود حدیث بیان شده است وقتی انسان در نظام تربیتی حرمت می‌یابد خود را جدای از برنامه تربیتی احساس نکرده و خود را جزء این برنامه دانسته و برای اثربخشی آن نقش ایفا می‌کند. از این رو تربیت‌های کریمان آسان‌تر بوده و تربیت برای این گونه افراد اثر بخش‌تر می‌گردد. چون راه تربیت بر وی هموارتر بوده است. با کرامت و حرمت نهادن اثر بخشی برنامه‌های تربیتی تضمین می‌گردد.

این روش کارآمد از دید ادیان الهی پوشیده نمانده چون حرمت نهادن به انسان در ادیان پیشینه ای کهن دارد و پیش از این که مکتب انسان‌گرایی بنیان نهاده شود قرآن به کرامت انسان به شیوه ای درست آن پرداخته، که آن را براحتی می‌توان از آیات قرآن استنباط نمود. داستان خلقت آدم  $\text{ﷺ}$  و فرمان سجده ملائکه در برابر وی و سپردن جانشینی خدا در روی زمین به انسان از جمله حرمت نهادن به انسان است و سراسر تعلیمات قرآن (به منطوق و مفهوم) حرمت‌گذاری به انسان به چشم می‌خورد. هرکدام از آن دارای حکم فقهی است بر مکلفان و پیروان قرآن واجب است به اصول و روش‌های آن عمل کنند و همه این تکریم و احترام برای این است که برنامه

تربیتی دین اثر بخش گردد. چون ادیان با برنامه مدون برای هدایت و تربیت انسان قدم به عرصه تربیت نهاده است. بنابراین از اصول تربیتی قرآن روش هایی بدست می آید که کمترین حکم فقهی آن رجحان حرمت گذاری در مقام تربیت متربی است. از این رو تمام نظام های تربیتی مسلمانان که باید از قرآن برگرفته شود حکم فقهی آن همواره بر پایه تکریم و حرمت نهادن به متریان استوار می گردد. از روش های که کرامت انسان را خدشه دار می کند مانند تنبیه خشن بدنی باید اجتناب گردد و اگر با آن کرامت انسانی متربی خدشه دار گردد ترک آن واجب و انجام آن حرام است. پس این روش تربیتی که از اصول استوار و خدشه ناپذیر و حیانی استنباط و اکتشاف گردیده بر وجوب حرمت نهادن در مقام تربیت دلالت نموده و در برابر آن بی حرمتی به متربی و مخدوش کردن کرامت انسانی وی حرام و مستوجب عقوبت است.

نگاهی به نظام تعلیم و تربیت موجود در بسیاری از کشورهای اسلامی نشان می دهد که این برنامه ها با برنامه های تربیتی قرآن تفاوت معنا داری دارد. به این دلیل که تنها جایی که بدون تردید حرمت انسان پاس داشته نمی شود زندان ها بوده و به همین دلیل آدمیان از زندان گریزان است. مدارس که آموزش و پرورش و تربیت رسمی در آن صورت می گیرد شباهت های فراوان با زندان ها دارد. دیوارهای بلند مدارس همه را به یاد زندان می اندازد در فضای مانند زندان کسی احساس آزادی نمی کند متربیان در فضای مدارس حس آزادی ندارد و برای هر چیزی باید از مرئی اجازه بگیرد. همان طور که انسان از رفتن به زندان ناراحت می شود دانش آموزان هم از رفتن به مدرسه گریزان است و از تعطیلات استقبال می کنند وقتی انسان از زندان رهایی می یابد شادمان گردیده و متربیان نیز از تعطیل شدن مدارس خوشحال می گردند و شادی کنان به سوی منازل خود بر می گردند و این مقایسه ها برای این است که در تعلیم و تربیت کنونی به متربیان حرمت و کرامت نهاده نمی شود به همین دلیل برنامه های تربیتی اثر بخشی لازم را ندارد.

خداوند که رب العالمین است و در راستای ربوبیت توحیدی و اثر بخشی تربیت به انسان شرافت و کرامت بخشیده است برای تایید این ادعا به چند آیه اشاره می گردد. «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ

خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/ ۷۰). ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنان را به مرکب دریا و خشکی سوار کردیم (جهان جسم و جان را مسخر ایشان ساختیم) و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنان را روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت بخشیدیم. حکم فقهی که از این آیه بدست می‌آید حرمت محروم کردن انسان از حقوق خدادادی است چون خداوند به انسان کرامت بخشیده و هرکسی و در هر مقامی این نعمت خدادادی را از انسان سلب کند (حتی اگر عنوان تعلیم و تربیت داشته باشد) حقی را پایمال نموده است و در فقه تصریح شده است که تضييع حقوق ديگران حرام است و بايد جبران گردد که با عدالت هم سازگار است.

این آیه و آیات فروع مانند آن افزون بر بیان اصول تربیتی؛ چون قرآن مانند قانون اساسی به اصول و کلیات می‌پردازد، شیوه و روش و سبک تربیت نیز از آن برای رسیدن به رشد نهایی و کمال متربی بدست می‌آید این فرایند از قرار دادن روایات در کنار آیات است که نمونه آن در بالا بیان گردید. تا جایی که خداوند برای تقویت این اصل تربیتی نهایت بخشش را در حق انسان می‌کند و از روح خود مایه می‌گذارد «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص/ ۷۲). پس زمانی که اندامش را درست و معتدل نمودم و از روح خود در او دمیدم، برای او سجده کنید. انسان که حامل روح خدا است سزاوار حرمت نهادن و کرامت است این گونه خداوند برنامه‌های تربیتی را سامان می‌دهد تا انسان با تربیت شدن لایق جانشینی وی گردد.

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَ يَسْفِكُ الدَّمَاءَ وَ نَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَ نُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/ ۳۰). آن زمان را یاد آر که پروردگارت به فرشتگان گفت: به یقین جانشینی در زمین قرار می‌دهم. گفتند: آیا موجودی را در زمین قرار می‌دهی که در آن به فساد و تباهی برخیزد و به ناحق خون‌ریزی کند و حال آن که ما تو را همواره با ستایش تسبیح می‌گوییم و تقدیس می‌کنیم. [پروردگار] فرمود: من [از این جانشین و قرار گرفتنش در زمین] اسراری می‌دانم که شما نمی‌دانید.

جانشینی خداوند از دو جهت ارزشمند است، نخست این که دادن مقام جانشینی بالاترین درجه احترام و حرمت نهادن به انسان از سوی خداوند است. دوم این که منصب جانشینی با فرایند

تربیت دست یافتنی است. چون رسیدن به این مقام ارجمند الزاماتی دارد. برای جانشینی خداوند حداقل انتظار این است که صفات مثبت و نیکو در انسان با تربیت رشد نماید دانش، قدرت، رحمانیت و دیگر صفات نیک را در فرایند تربیت کسب کند تا لیاقت جانشینی خداوند را بدست آورد. هرچند که به اندازه دانش و قدرت و رحمانیت و دیگر صفات خداوند هرگز نمی‌رسد.

بنابراین حرمت نهادن به متربی روش است که از اصول تربیت و حیانی برگرفته شده و تربیت را اثر بخش می‌کند. این روش کارآمد، دامنه گسترده ای دارد و تمام فرایندهای تربیتی را در بر می‌گیرد و نیز همه مراحل تربیت را پوشش می‌دهد. هیچ عنصر یا مرحله‌ای از تربیت را نمی‌توان یافت که از این روش بی‌نیاز باشد. هر گاه از این روش کارآمد غفلت شود، هدف نهایی تربیت محقق نخواهد شد. مریبان تربیتی که به عمد روش‌های کارآمد تربیتی را نادیده گیرند و به فرایند تربیت آسیب برسانند کار حرام مرتکب شده و مستوجب عقوبت است. آموخته‌های فقه تربیتی با کاوش در آیات و روایات نشان می‌دهد که این روش در تمام مقاطع مختلف سنی نیز کاربرد دارد. چون حرمت نهادن تنها برای اثر بخشی تربیت در سنین جوانی و بزرگ سالی نبوده؛ حتی در کودکان و خردسالان نیز مفید بوده و تربیت را دلیلی و خوش آیند می‌سازد. از این رو هر گروه سنی به اقتضای سن آنان باید مورد احترام و تکریم قرار گیرند. کودکان نیازمند نوعی خاص از احترام است در حالی که بزرگسالان و یا جوانان نوع دیگری از احترام را می‌طلبند تا در سایه حرمت گذاری به متربیان برنامه‌های تربیتی اثر بخش گردیده و کار کرد مفید از خود برجای گذارد.

### **روش دوم: دادن اختیار و مسئولیت به متربی**

روش دیگری که فقه تربیتی در پرتو آیات، روایت و قواعد فقهی، استنباط می‌کند دادن اختیار و مسئولیت به متربیان است و برای این که انسان نقش فعال در برنامه تربیتی ایفا کند لازم است به وی اختیار و مسئولیت داده شود تا با مشارکت فعال در برنامه‌های تربیتی این برنامه را اثر بخش نموده و اثر عمیق‌تر ببخشند. اخلال و بی‌توجهی به روش‌های تربیتی کارآمد و مفید دارای عقوبت‌های است که احکام آن باتوجه به شرایط و موقعیت‌های گوناگون متفاوت است

از کراهت گرفته تا حرمت و از جانب ایجابی به کار بستن روشهای تربیتی مفید دارای احکام رجحان تا وجوب را شامل می‌گردد. در بینش تربیتی اسلام انسان حامل امانت الهی تلقی شده که خود دارای حکم فقهی فروان است و برپایه این حکم مسئولیتی بزرگ بر دوش انسان نهاده شده است و آن را می‌توان از افعال مکلفان به شمار آورد دین اسلام با دادن مسئولیت به انسان افزون بر بیان احکام تکلیفی، در صدد اثر بخشی برنامه تربیتی خود نیز برآمده است. مسئولیت و امانتی که بنا به نص قرآن کریم، آسمان‌ها و زمین از پذیرفتن آن ناتوان بوده‌اند ولی آدمیان به دلیل اینکه امکان و استعداد به سرانجام رساندن آن را داشته، این مسئولیت بزرگ را پذیرفته است. «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب/۷۲). یقیناً ما امانت را [ که تکالیف شرعیه سعادت بخش است ] بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم و آنها از به عهده گرفتنش [ به سبب اینکه استعدادش را نداشتند ] امتناع ورزیدند و از آن ترسیدند و انسان آن را پذیرفت، بی‌تردید او [ به علت ادا نکردن امانت ] بسیار ستمکار، [ نسبت به سرانجام خیانت در امانت ] بسیار نادان است.

درباره امانت الهی، احتمالات فراوانی مطرح شده است. علامه طباطبایی پس از بررسی یکایک احتمالات، این امانت را "ولایت الهی" می‌داند و معتقد است مقصود از عرضه داشتن این ولایت بر آسمان‌ها و زمین و سایر موجودات، مقایسه این ولایت با وضع آنها بوده و معنای آیه این است که اگر ولایت الهی با وضع آسمان‌ها و زمین مقایسه گردد معلوم می‌شود که اینها تاب تحمل آن را ندارد و تنها انسان می‌تواند حامل آن باشد. (ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱۶، ص ۵۲۶). در باره اینکه گفته شده است که انسان قبول کننده این امانت ظلوم و جهول است، چون عین همین ظلم و جهل انسان مصحح حمل امانت و ولایت الهی است. برای اینکه کسی متصف به ظلم و جهل می‌شود که شأنت متصف شدن به علم و عدل باشد و گرنه چرا به کوه ظالم و جاهل نمی‌گویند (ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۱۶، ص ۵۲۶).

از تفاسیر چنین بدست می‌آید که انسان به دلیل این استعداد وجودی که دارد تنها موجودی است که صلاحیت پذیرش و تحمل ولایت الهی را دارد و روشن است که پذیرش این امانت

بزرگ مسئولیتی بزرگ‌تر را بر دوش انسان می‌افکند. وقتی انسان امانت الهی و مسئولیت بزرگ را بر دوش می‌کشد چرا در برنامه تربیتی به وی مسئولیت سپرده نشود؟ از این که خداوند امانات خود را بر کوه و آسمان ارائه کرد و آنها از پذیرفتن آن سرباز زدند و انسان آن را پذیرفت همه بدون جبر بوده است و حکم اختیاری و تحمیل نشدن از آیه قابل استنباط است از این رو در فرایند مسئولیت‌پذیری متربیان با پیروی از احکام فقهی آیه دادن اختیار و انتخاب به متربیان سبب می‌گردد آنان در جریان برنامه تربیتی قرار گرفته و فعالانه در به ثمر نشستن آن شرکت جسته و این خود روشی است که برنامه تربیت را اثر بخش می‌سازد.

به مدد فقه تربیتی می‌توان فهمید که قرآن افزون بر اصول برنامه تربیتی؛ اصول مدیریتی را نیز می‌آموزد با کشف حکم از آیات قرآن، روش‌های تربیتی آن نیز بدست می‌آید. وقتی به کسی مسئولیت داده شود او مکلف به پاسخ‌گویی در حوزه مسئولیت خود بوده و می‌توان کارکردهای وی را سنجش و ارزیابی نمود. آیه از سپردن امانات الهی به انسان گزارش می‌کند که انشاء در ضمن اخبار است در حقیقت احکام تکلیفی انسان در برابر امانت و روش‌های حفظ امانت و عقوبت‌های خیانت در امانت نیز از آیه به روش‌های فقیهانه قابل استنباط است و می‌توان هزاران حکم فقهی از آن بدست آورد که این نوشتار تنها وظیفه بیان احکام فقهی آن را ندارد؛ بلکه با اشعار بر احکام فقهی روش‌های که برای اثر بخشی تربیت می‌تواند مفید باشد را از آن اصول تفریع کرده و کشف حکم می‌کند. بنابراین اصل مسئولیت سپردن به انسان و انسان مکلف و مسئول همواره در اسلام مطرح بوده تا از این اصل روش سودمند برای اثر بخشی برنامه‌های تربیتی استنباط گردد. به این دلیل است که هر وقت سخن از مسئولیت می‌رود در برابر آن پاسخگویی نیز مطرح بوده و منظور این است که انسان با مشارکت در تربیت و مسئولیت‌پذیری مکلف به حفظ امانت‌های الهی گردد و انجام درست وظایف خود در برابر این مسئولیت را به خوبی ادا کند که از دل آن روش‌های برای فقیهان قابل استنباط است. این روش به انسان توانایی می‌بخشد تا راه اطمینان بخش و مفید برای رسیدن به هدف که برای وی تعیین شده پیماید. چون خداوند استعداد انجام‌دادن مسئولیت‌های مهم (مقام خلیفة الهی) را به انسان داده که باروش‌های درست تربیتی قابل دسترسی است.



از جمله آیات دیگری که پرسش میکند آیا انسان با مسلمان شدن از تکلیف آزمون‌ها می‌رهد؟ «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت/ ۲). آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که بگویند: ایمان آوردیم، رها می‌شوند و [به وسیله جان، مال، اولاد و حوادث] مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ لازمه آزمون و سنجش‌ها دادن مسئولیت و تکلیف است و پس از آن نوبت امتحان می‌رسد از این رو آیه مسئول بودن آدمیان را مسلم گرفته است و پاسخ پرسش قرآن این است انسان با گفتن ایمان آوردم از زیر بار مسئولیت و پاسخگویی در برابر آن نمی‌تواند شانه خالی کند. اگر مسئولیت‌های خود را به درستی انجام ندهد کیفر می‌بیند. این حکم فقهی و تکلیفی آدمیان است که در برابر واجبات و محرمات مسئولیت دارند و از این حکم روش تربیتی نیز قابل استنباط است که در تربیت خود و دیگران مشارکت فعال داشته باشند و پاسخگو باشند. چون دیدگاه اسلام را آیات قرآن بیان می‌کند دادن اختیار و مسئولیت به متری به خوبی قابل استنباط است. از آیه «وَ كُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا» (اسراء، ۱۳). و عمل هر انسانی را برای همیشه ملازم او نموده‌ایم و روز قیامت نوشته‌ای را [که کتاب عمل اوست] برای او بیرون می‌آوریم که آن را پیش رویش گشوده می‌بیند. این آیه نیز دلالت دارد که انسان در برابر مسئولیت‌ها و وظایف که بر عهده می‌گیرد پاسخگویی موفقیت و شکست‌های آن است. چون اعمال آدمیان همواره با او بوده و ملازم وی است با روش تربیتی سپردن اختیارات و مسئولیت‌ها به متریان انسان بهتر احساس مهم بودن نموده و برای به ثمر رسیدن کارها به خصوص برنامه‌های تربیت تلاش می‌کند وقتی مکلفان از اصول قرآنی معرفت آموخت که کردار و اعمال آدمیان همیشه با وی است و از سوی دیگر شارع آدمیان را به کارهای خوب فرمان داده و از کارهای نادرست بازداشته است در نتیجه چنین افرادی برای رشد و بهبود کارهای خود مسؤلاًنه تلاش می‌کنند و تربیت برای وی اثر بخش می‌گردد.

آیات بیان شده تبیین اصول می‌کند و از این اصول روش‌های تربیتی اثر بخش و مفید "اختیار و مسئولیت دادن به انسان"، تفریح و استنباط می‌گردد. این کشف فقهی روش اطمینان بخشی را در عرصه تربیت ارائه می‌کند و تمامی بخشهای نظام تربیتی را در بر می‌گیرد و در تمام مقاطع

سنی گوناگون قابل اجرا بوده و با رعایت مراحل تربیت قابل تعمیم است. به نظر می‌رسد دادن اختیار و مسئولیت به متریان برای مشارکت فعال آنان در مسائل تربیتی مهم و ضروری است. این نیاز اگر مسئولیت دادن به متریان را واجب نکند حداقل استجاب این کار را می‌رساند. با این روش افزون بر این که مشارکت افراد را در برنامه تربیتی سبب می‌گردد؛ اهداف تربیتی را نیز تحقق پذیر و دست یافتنی می‌کند و سبب اثر بخشی برنامه‌های تربیتی نیز می‌گردد. این روش سودمند با توجه به اینکه درآموزه‌های قرآنی انعکاس یافته اطمینان بخش است.

### روش سوم: عقلانی بودن برنامه‌های تربیتی

کاوش‌های فقه تربیتی اثبات می‌کند که برنامه‌های تربیتی بایستی عقلانی، مفید و قابل بهره‌گیری باشد تا متریان برنامه‌های تربیت را با آغوش باز بپذیرند. برنامه‌های که موهوم غیر قابل اجرا یا غیر مفید برای زندگی باشد سبب می‌شود که از سوی متریان مورد پذیرش قرار نگیرد و گاهی اثر معکوس و نا مطلوب بر متریان بگذارد. روش تربیت وحیانی و عقلانی که در اسلام از آن سخن رفته است؛ به این معنی بوده که تمام نظام تربیتی و در همه مراحل تربیت بایستی این روش کارآمد را برای اثر بخشی برنامه‌های تربیتی به کار گیرد و ملاک هر فعالیت تربیتی تطبیق آن با عقلانی بودن برنامه‌ها باشد.

قرآن با فراخوانی انسان به تعقل و تفکر به فقیهان این امکان را می‌دهد که روش سودمندی را از اصل تعقل کشف نماید و حکم این روش را برای تربیت استنباط نمایند. به همین دلیل اصل تعقل و عقلانیت در اسلام از اهمیت بالای برخوردار بوده و بسیاری از امور به دلیل اینکه زمینه ساز تعقل و تفکر بوده، توصیه شده است. تعقل و تفکر نمودن را قرآن راه رسیدن به اهداف بالاتر می‌داند که فراهم و تهیه برنامه عقلانی تربیت یکی از آن اهداف ارجمند است. پس تعقل که در اسلام از آن فراوان سخن گفته شده است را می‌توان یکی از اهداف واسطه‌ای تربیت بر شمرد. چون تعقل طیف وسیع و گسترده‌ای از اندیشه ورزی را پوشش می‌دهد و روش‌های تربیتی فراوان که مورد نظر فقه تربیتی است می‌توان به دست آورد روش عقلانی بودن برنامه‌های تربیتی بر اثر بخشی برنامه‌های تربیتی کمک بسیار می‌کند، می‌توان آن را روش

بنیادین و عمیق در عرصه تربیت معرفی کرد. چون عقلانی بودن و قابل اجرا و مفید بودن برنامه‌های تربیتی در اثر بخشی و مشارکت متریان تاثیر معنا داری دارد. منظور از تعقل، تفکر که در تعلیمات دین از آن سخن رفته هدفمند و جهت دار است بر مجموعه‌ای از قواعد و مقررات مبتنی است که این مقررات در سیر منطقی به مقصود خاص رهنمون شده است و آن را از خیال پردازی‌های اوهام آلود مجزا می‌کند. به همین مناسبت ادراکاتی هم که انسان دارد و با آنها پیمان قلبی بسته، عقل نامیده‌اند و نیز مدرکات واقعی آدمی و آن قوه‌ای را که در خود سراغ دارد و به وسیله آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می‌دهد، عقل نامیده‌اند. (ترجمه تفسیرالمیزان: ۳۷۱/۲)

علامه طباطبایی افزون بر مفسر بودن، فقیه و فیلسوف نیز بوده است که پس از بحث درباره انواع ادراکات انسان در باره عقل چنین می‌نگارد: خداوند هم سخنان خود را بر همین اساس بیان نموده، و عقل را نیرویی تعریف کرده که انسان در دین و زندگی از آن بهره‌مند است و به وسیله آن راه به سوی حقایق و معارف و اعمال صالح در پیش می‌گیرد. (ترجمه تفسیرالمیزان: ۳۷۵/۲) پس عقل یعنی نیروی تمیز دهنده خیر و شر باید در نظام تربیتی نقش ایفا کند، و متولیان نظام تربیت برای این که بتوانند برنامه درست را طراحی و اجرا نمایند، باید از نوعی توانایی و صلاحیت عقلانی برخوردار باشند. پیروی از عقل و اصول عقلانی است که انسان را به روشهای موثر برای تربیت و اهداف تربیتی رهنمون می‌سازد و روش‌های موثر و مفید هم تربیت را آسان نموده و مشارکت متریان را به همراه خواهد داشت. تفکر و تعقل در منابع فقه (قرآن و روایات) فراوان به کار رفته است تا اصولی بسازد که فقیهان در سایه سار آن به استنباط احکام پرداخته و فقیهان تربیتی به کشف روش‌های موثر برای اثر بخش نمودن تربیت دست یابند «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَآ تَعْقِلُونَ» (بقره/۴۴). آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را [ در انجام دادن نیکی ] فراموش می‌کنید؟ در حالی که کتاب [ تورات را که با شدت به نیکی دعوتتان کرده ] می‌خوانید. آیا [ به وضع زیان بار خود ] نمی‌اندیشید؟

این آیه دلالت می‌کند که برای دعوت به کار نیک نخست خود دعوت کننده به آن عمل

کند. سخن از امر کردن است و امر دلالت بر وجوب می‌کند از این رو مربی پیش از اقدام تربیتی خود به آموزه تربیتی عمل کند اینگونه نباشد که خود تربیت نشده به تربیت دیگران اقدام کند این کار به روشنی در آیه نکوهش شده و دلالت بر حرام بودن می‌کند پس می‌توان استنباط نمود که در برنامه‌های تربیتی نیز اول مربی خود عامل به اصول تربیتی بوده باشد. سپس از آن اصول روش‌های کارساز و مفید را برای تربیت دیگران به کار گیرد. چون دعوت دیگران به غیر زبان از سفارشات دینی است و از سویی دیگر آیه از نگاه مفهومی دلالت دارد که برنامه‌های تربیتی نگاشته شده در کتاب‌های کهن هم عقلانی و قابل عمل بودن را تایید می‌کند که فرمان دادن دیگران و خود عمل نکردن به این معنا است که آن کار نیک قابل انجام بوده و از مقوله محال و ناممکن، یا خیالات و اوهام نبوده است.

در گفتگوی که میان دوزخیان و فرشتگان انجام شده به این روش کارساز اعتراف می‌کند (وَ قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ) (ملک/۱۰). می‌گویند: اگر ما [دعوت سعادت بخش آنان را] شنیده بودیم، یا [در حقایقی که برای ما آوردند] تعقل کرده بودیم، در میان آتش سوزان نبودیم. از نگاه فقه تربیتی آیه دلالت می‌کند که دوزخیان معترفند که از برنامه‌های تربیتی و سعادت بخش پیامبران غفلت ورزیده و این برنامه‌ها عقلانی و قابل عمل کردن بوده است و می‌توانست آنان را به درستی تربیت نموده و به سعادت برساند. به اعتراف آنان، برنامه‌های پیامبران عملیاتی بوده است و نمی‌گویند که برنامه پیامبران دشوار و از توان ما خارج بوده است و سخنان دوزخیان به این معنا است که برنامه هدایت و تربیت در ادیان به درستی از روش کار آمد عقلانی بودن بهره گرفته تا مردمان بیشتر را به مشارکت فراخواند و به هدف برساند. ولی دوزخیان با حسرت به غفلت خود اعتراف می‌کنند. از دیدگاه فقهی و حکم آن کار دوزخیان حرمت است به دلیل اینکه عقاب شده‌اند. پس از آیه افزون بر اصل و قاعده، روش و حکم فقهی نیز قابل استنباط است.

منظور از سمع، پیروی از پیامبران<sup>۱۱</sup> و پایبند بودن به تعلیمات آنان بوده است که آموزگاران خیر خواه و امین بوده‌اند و منظور از عقل، پذیرفتن دعوت به حق است و در آن تعقل کنند و با راهنمایی عقل دریابند که دعوت آنان حق است، و باید انسان در برابر حق خاضع شوند. (ترجمه

تفسیرالمیزان، ج ۱۹، ص ۵۹۲)

و در آیه دیگر به عقلانی بودن برنامه‌های تربیتی پیامبران اشاره نموده تا این برنامه اثر بخش شده و مردم در فرایند تربیت مشارکت جویند و کسانی که به این نظام تربیتی پیوسته‌اند به هدف نهایی از تربیت دست یافته و کسانی که آن را به استهزا گرفته‌اند مردمان بی‌خرد بوده‌اند و با این کار خود متضرر شده و از برکات و فواید تربیت محروم مانده‌اند. «وَ إِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوءًا وَ لَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ» (مانده/ ۸۵). و چون برای نماز ندا در می‌دهید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند؛ این کار زشتشان به سبب این است که آنان گروهی هستند که [ در حقایق و معارف ] اندیشه نمی‌کنند.

بیان خواهد شد که نماز عامل تربیتی مهم است. فقیهان درباره نماز کتاب‌ها نگاشته‌اند. علامه طباطبایی در باره غفلت و سبک شمردن نماز به وسیله بی‌خردان می‌نگارد که به استهزا و به مسخره گرفتن نماز و اذان برای این است که آنان مردمی سبکسر و بی‌عقل بوده‌اند و فواید آن را که همان نزدیکی به خداوند و تحصیل سعادت دنیا و آخرت است درک نکردند. (طباطبایی، ترجمه تفسیرالمیزان، ج ۶، ص ۴۹) بی‌خردی و تمسخر آموزه‌های دینی حرام است چون در این آیه مورد سرزنش خداوند قرار گرفته‌اند. نماز برنامه تربیتی است که نتایج ملموس در زندگی دارد و این برنامه افزون بر احکام فقهی دارای روشی برای اثربخشی برنامه‌های تربیتی اسلام است «أَتُلُّ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ وَ لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنکبوت/ ۴۵). آنچه را از این کتاب به تو وحی شده است، بخوان و نماز را برپا دار، یقیناً نماز از گناهان آشکار، و کارهای ناپسند باز می‌دارد؛ و همانا ذکر خدا بزرگ‌تر است و خدا آنچه را انجام می‌دهید می‌داند. تمام عمل‌های تربیتی دارای مراتب است و نماز از سطح پایین تا نماز عارفان دارای اثر است از تاثیرات اندک به فراخور حال نماز گزار گرفته تا جایی اوج می‌گیرد که در تصور آدمیان ننگنجد و به جز خدای نداند.

همچنین از روش‌های تربیتی خداوند مبتنی بر عقلانی و ثمر بخش بودن، نمایش نشانه‌ها و آیات خلقت است «كَذَلِكَ يَبِينُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (نور/ ۶۱) خدا این‌گونه آیات را برای شما بیان می‌کند تا بیندیشید. فرمان خداوند اندیشیدن است و کسانی که برخلاف

دستور خداوند عمل کند مجازات می‌شود یا زیان می‌بیند و حکم شرعی آن وجوب یا رجحان است در قرآن از اینگونه آیات فروان سخن رفته تا عقول آدمیان به کار گرفته شود و دریای از معارف و برنامه‌های تربیتی و پند آموز را فرا روی انسان گذارد که فواید پر شمار برای زندگی بشر دارد. از این رو شایسته به نظر می‌رسد که برنامه‌های تربیتی به این روش تدوین گردد تا هم ثمر بخش بوده و هم مشارکت متریبان را در فرایند تربیت با خود همراه سازد. بنابراین به کارگیری نیروی عقل، از یک طرف انسان را در رسیدن به اهداف تربیتی یاری می‌رساند و از سوی دیگر عقلانی بودن، برنامه‌های تربیتی را اثر بخش می‌کند.

### روش چهارم: عدالت ورزی در تربیت

عدالت و انصاف برای تربیت پذیری از اهمیت فراوان برخوردار است که فقه تربیتی در فرایند استنباط از مجموعه ادله به دست می‌آورد. با این روش نیز می‌توان برنامه‌های تربیتی را ثمر بخش نمود. عدالت قرار دادن هر چیز در جایگاه و مرتبه خاص خودش از جمله روش‌های کارآمد است که در فرایند تربیت مفید واقع می‌گردد. در تربیت اسلامی برای اینکه مشارکت فعال متریبی در روند تربیت پذیری جلب گردد عدالت ورزی در تمام ساحت‌های تربیت توصیه می‌شود. در قرآن نیز از این روش برای کارآمد شدن برنامه‌های تربیتی به قدر کافی استفاده شده است.

فَلِذَلِكَ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمُ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ (شوری/ ۱۵). آنان را [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن، و همان گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن، و از خواسته‌های نامشروع اینان پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که خدا نازل کرده ایمان آوردم، و مأمورم که در میان شما به عدالت رفتار کنم؛ خدا پروردگار ما و شماست؛ اعمال ما برای خود ما و اعمال شما برای خود شماست؛ دیگر میان ما و شما [پس از روشن شدن حقایق] هیچ برهانی نیست؛ خدا ما و شما را [در عرصه قیامت] جمع می‌کند، و بازگشت [همه] به سوی اوست.

این آیه به روشنی عدالت ورزی را در هدایت و تربیت مردم از وظایف پیامبر (ﷺ) بر شمرده

است. اُمْرُتُ لِأَعْدِلَ دلالت بر وجوب می‌کند چون مطلق است و قیدی برای آن ذکر نشده این روش کاربرد وسیع و گسترده دارد و تمام ساحت‌های مختلف را در بر می‌گیرد و در آیه دیگر

عدالت ورزی را یکی از روش‌های مهم برای رسیدن به تقوی بر می‌شمارد:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاَنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مانده/ ۸). ای

اهل ایمان! همواره [ در همه امور ] قیام کننده برای خدا و گواهان به عدل و داد باشید و نباید دشمنی با گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نوزید؛ عدالت کنید که عدالت‌ورزی به پرهیزکاری نزدیک‌تر است و از خدا پروا کنید؛ زیرا خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

اعْدِلُوا فعل امر است و دلالت بر وجوب می‌کند و از سوی دیگر عدالت نزدیک‌تر به تقوا دانسته و تقوا یکی از اهداف تربیت است و روش عدالت ورزی برنامه تربیتی را کارآمد و مفید می‌گرداند. در آیه‌ی دیگر ملاک ارزش آدمیان نزد خداوند میزان و اندازه تقوای آنان معرفی شده است «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ». (حجرات/ ۱۳). بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است. در آیه پیشین بیان شد که عدالت ورزی انسان را به تقوا رهنمون می‌سازد و تقوا را نیز ملاک ارزش‌گذاری آدمیان دانسته است. بنابراین عدالت ورزی انسان را به تقوا می‌رساند و تقوا هم بیان ارزشمندی آدمیان در نزد خداوند است. از مجموع آیات به روش تفسیر آیه به آیه افزون بر وجوب عدالت ورزی به صورت مطلق و عدالت ورزی در تربیت که یکی از مصداق‌های آن است و نیز رسیدن به هدف و غایت تربیت با این روش برای فقیهان تربیت قابل استنباط و اکتشاف است.

تقوا در اسلام چنان اهمیت و جایگاه ارجمندی دارد که یکی از یاران امام علی علیه السلام، به نام هَمَّام، از ایشان خواست که متقین را چنان برایش وصف کند که گویی آنها را می‌بیند. امام ابتدا در دادن پاسخ درنگ کرد و هَمَّام را به تقوا و احسان سفارش فرمود، اما سرانجام با اصرار او به بیان احوال و اوصاف پارسایان پرداخت: پارسایان در دنیا اهل فضیلت‌اند، سخن به صواب می‌گویند، شیوه‌شان اعتدال و مشی آنان تواضع است، دیده بر حرام می‌بندند و گوش به علم سودمند می‌سپارند، در سختی و بلا چنان‌اند که در آسایش و راحتی به سر می‌برند، خدا چنان در نظرشان بزرگ است که غیر او را کوچک می‌بینند، تن‌شان نحیف و نیازهایشان اندک و نفسشان عقیف

است، بیننده آنان را بیمار و گیج و دیوانه می‌پندارد و حال آنکه بیمار یا دیوانه نیستند بلکه امر عظیمی با جانشان درآمیخته و عقل و هوش از ایشان ربوده است، از اعمال اندک خویش خرسند نیستند و عمل بسیار خود را بسیار نمی‌پندارند، نفس را متهم می‌دارند و به رغم نیکوکاریشان نگران اعمال خویشند، اگر در ستایش ایشان چیزی گفته شود از آن سخن می‌ترسند و با خود می‌گویند «من به خویش از دیگری آگاه‌ترم و خداوند به من از من آگاه‌تر است»، به آنچه باقی و زوال‌ناپذیر است امیدوارند و از آنچه فانی است دل بریده‌اند، آرزوهایشان کوتاه و خطاهایشان اندک و نفسشان قانع و خوراکشان مختصر و خشمشان خاموش و شهوتشان مرده است، بی‌تکلف و آسانگیرند. به سبب دشمنی با کسی ستم و به سبب دوستی با دیگری گناه نمی‌کنند، از دست خویش در رنج و مردم از ایشان آسوده‌اند، اگر از کسی دوری کنند از سر کبر نیست و اگر به کسی رو کنند از روی مکر و خدعه نیست. (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳)

سخنان امام علی (ع) می‌رساند که عدالت ورزی، تقوا را به ارمغان می‌آورد. از این رو می‌تواند به هدف اصلی تربیت نیز رهنمون گردد. با عدالت ورزی به تقوی و با رسیدن به تقوی بیشترین هدف تربیتی اسلام تحقق می‌یابد. بنابراین با این روش کارآمد برنامه‌های تربیتی کارساز و اثر بخش می‌گردد. بدون تردید این روش مشارکت مردم را افزایش داده و اهداف تربیتی را در دسترس قرار می‌دهد.

### روش پنجم: توجه به تفاوت‌های فردی و استعداد یابی

یکی از پدیده‌های طبیعی در تمام ساختار جوامع انسانی وجود تفاوت است. توجه به تفاوت‌های فردی و استعداد یابی افراد یکی از روش‌های مفید در اثر بخشی برنامه‌های تربیتی است. فقه تربیتی که نگاه به تربیت دارد، انسان را دارای مجموعه‌ای از توانایی‌ها و استعدادها می‌یابد. وجود تفاوت‌های فردی میان انسان‌ها به اندازه‌ی خلقت انسان قدمت دارد که در نظر گرفتن این توانایی‌ها و تفاوت‌های فردی در نظام تربیتی به اثر بخشی آن کمک می‌کند. خداوند در قرآن فراوان از تفاوت‌ها و اختلاف مظاهر طبیعی و امور تکوینی سخن به میان می‌آورد که هر یک برای فقه دارای حکم است و خداوند آن را از آیات الهی و عظمت خالق بر می‌شمارد،



خداوند در مواردی گوناگون به این امر مهم اشاره نموده که هیچ انسانی با دیگر هموعان خود به یک شکل نیست، هر شخصی در افکار و روحیات و فزیولوژی بدن خود جهانی پنهان در خود نهان دارد. این سخن در فرمایشات امام علی علیه السلام به خوبی نمایان شده «وَتَحَسَّبُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ انْطَوَى الْعَالَمُ الْأَكْبَرُ» تو پنداری که همین جرم صغیری؟ در صورتی که جهانی در نهادت پنهان است. حتی خطوط سرانگشتان در آدمیان همسان نیست؛ چه رسد به اخلاق و روحیات و تفاوت‌های بی‌شمار دیگر. برای تایید این سخن به چند نمونه از آیات اشاره می‌شود که قرآن نیز تفاوت‌ها را به رسمیت می‌شناسد چرا در فقه و تربیت به آن توجه نشود؟ و نیز قرآن و روایات که از منابع فقه به شمار آمده از توجه به استعدادهای متفاوت افراد در مسئولیت‌پذیری و تنظیم برنامه‌های تربیتی در خور و متناسب پرده بر می‌دارد.

وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاختلافُ اَلسَّيْتِكُمْ وَ اَلْوَانِكُمْ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعٰلَمِيْنَ (روم/۲۲). و از نشانه‌های [قدرت و ربوبیت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماست؛ بی‌تردید در این [واقعیات] نشانه‌هایی برای دانایان است.

وقتی خداوند برای دانایان نشانه‌هایی قرار می‌دهد همه دارای این حکم تکلیفی است که به این نشانه‌ها توجه شود و برای تربیت به کار گرفته شود. در صورت توجه و بهره‌گیری مفید دارای ثواب یا فواید مادی می‌شود و در صورت مخالفت با مقصود شارع به عذاب گرفتار خواهد آمد. فقیهان تربیت می‌توانند از تفاوت‌های که در خلق خداست و خداوند هم آن را نشانه قرار داده تاره گم نشود و با این روش تربیت را غنی و مفید و مثمر ثمر نماید.

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زَرْعٌ وَ نَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَ غَيْرٌ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفْضُلٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ اِنَّ فِي ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُوْنَ (رعد/۴). در زمین قطعه‌هایی گوناگون و باغ‌هایی از انگور و کشتزار و درختان خرمايي است که بر يك ريشه و غير يك ريشه [می‌رویند]. ما برخی از آنان را در میوه و محصول با آنکه از يك آب سیراب می‌شوند بر برخی دیگر برتری می‌دهیم. بی‌تردید در این امور برای مردمی که تعقل می‌کنند، نشانه‌هایی [بر توحید، ربوبیت و قدرت خدا] است.

وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذٰلِكَ اِنَّمَّا يَخْشَى اللّٰهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ (فاطر/۲۸). و نیز از انسان‌ها و جنبدگان و چهارپایان [مانند میوه‌ها و راه‌های کوهستانی] رنگ‌های گوناگون وجود دارد. از بندگان خدا فقط دانشمندان

از او می‌ترسند؛ یقیناً خدا توانای شکست‌ناپذیر و بسیار آمرزنده است.

يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (حجرات/ ۱۳). ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید. بی‌تردید گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. یقیناً خدا دانا و آگاه است.

در این آیات، وجود تفاوت‌های فردی در میان مردم بیان شده تا احکامی را در دسترس فقیهان قرار دهد و از تکلیف بمالایطاق پرهیز گردد و مکلفان وظایف و تکلیف خود بدانند که در شناخت‌ها و برنامه‌ریزی‌های تعلیمی و تربیتی از این عوامل غفلت نکنند، این سخن از لازمه روشن آیات است. از سوی دیگر آیات فوق از سر چشمه تفاوت‌های فردی شناخت می‌دهد، و آن را از عوامل گوناگونی مانند وراثت و محیط و غیره می‌داند. بیشتر تفاوت‌ها طبیعی بوده و مورد تایید خداوند است چون امر فطری و ناشی از تفاوت‌های فردی انسان است. استواری و پایداری زندگی و روابط اجتماعی مردم با این تفاوت‌ها به بالندگی و رشد می‌رسد. از این رو حکمت الهی بر این قرار گرفته که مردم، چه از راه اکتساب و یا تکوینی، متنوع و متفاوت باشند. تا هرکسی کارهای متفاوت را بر عهده گرفته و مشاغل و کارهای گوناگونی در جامعه ایجاد گردد. حکم فقهی تربیتی آن این است که همگان باید با اسرار خلقت هماهنگ شده و از حکمت‌های آن بهره‌گیرند. «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَإِذْ لَوْنٌ مُّخْتَلِفِينَ» (هود/ ۱۱۸). اگر پروردگارت می‌خواست یقیناً تمام مردم را [ از روی اجبار، در مسیر هدایت ] امت واحدی قرار می‌داد، [ ولی نخواست به همین سبب ] همواره متفاوت‌اند. بنابر دلالت این آیه در وجود تفاوت‌ها حکمت‌های بسیار نهان است و اگر مصالحی برای مردم نداشت خداوند خلقت را یکسان، یکدست و یک‌رنگ می‌آفرید. پس بر مریبان واجب است که به تفاوت‌های فردی متریان توجه نموده و برای همه نسخه واحد نییچند.

در قرآن کریم تکلیف‌بندگان را بستگی به وسع و ظرفیت وجودی آنان دانسته و در فقه نیز این حکم کشف و بیان شده است «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ» (بقره، ۲۸۶) خدا هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. هر کس عمل شایسته‌ای انجام داده، به سود اوست، و هر کس مرتکب کار زشتی شده، به زیان اوست. در این باره آیه‌های دیگری نیز نازل شده است که بنابر اصل تناسب حکم و موضوع همگی بر تناسب بین

تکالیف و توانایی مکلف دلالت دارد. از این اصل، روش‌های مانند توجه به تفاوت‌های فردی و استعدادیابی بدست می‌آید و به کار بستن این روش، برنامه تربیتی را اثر بخش و کارآمد می‌سازد. خداوند، رعایت توان مرتبی در تناسب با استعداد و توان انسان در قبول و انجام‌دادن آن تکالیف تأکید می‌نماید و نشان می‌دهد اگر کاری از انسان خواسته شده، بدین معناست که وی توانایی انجام‌دادن آن کار را دارد. می‌توان نتیجه گرفت که هدف نهایی تربیت با توانایی‌های انسان تناسب دارد و اگر به تفاوت‌های فردی و استعدادهای متفاوت انسان توجه شود و هرکسی را متناسب با تفاوت‌های فردی تربیت نماید امکان رسیدن به مراحل بالای از اهداف تربیتی وجود دارد.

تفاوت‌های فردی همان گونه که قرآن بر آن تأکید نموده در زمینه‌های متفاوت دیده می‌شوند و این تفاوت‌ها که بر اساس حکمت الهی پدید آمده نقش و تأثیر سازنده بر کار و عملکردهای انسان‌ها می‌گذارد و به همین دلیل، در موفقیت‌های تحصیلی و شغلی کارکرد مهم آن را نباید نادیده گرفت. نکته مهم در تفاوت‌ها و توانایی‌های مختلف افراد این است که نظام خلقت به گونه‌ای نیست که همه توانایی‌های خوب و عالی را به بعضی داده باشد و برخی دیگر را از همه آن بی‌نصیب گذاشته باشد؛ بلکه آدمیان در استعداد و توانایی یکسان نبوده و هر فرد در برخی زمینه‌ها دارای استعداد قوی و در زمینه‌های دیگر استعداد متوسط یا ضعیف دارد. این گونه است که حتی در تفاوت‌ها نیز عدالت برقرار شده اگر شخصی با توجه به استعداد خود به مقام و منصبی رسید و دیگران به مهارت وی محتاج گردید همین فرد ممکن است در کارهای دیگر از استعداد ضعیف بر خوردار بوده در آن زمینه نیازمند دیگران گردد و خداوند عدالت را به این صورت برقرار نموده و به این ترتیب کارها نیز زمین نمی‌ماند. در نظام آموزشی و تربیتی کارآمد به این تفاوت‌ها توجه می‌شود و آن را به شکل طبیعی می‌پذیرد با توجه به توانایی‌ها و قابلیت‌ها و تفاوت‌ها برنامه می‌ریزد. وجود تفاوت‌های فردی در میان دانش‌آموزان از نظر هوش، شخصیت، استعداد، پیشرفت تحصیلی، وضعیت اقتصادی و اجتماعی، خانوادگی و قدرت یادگیری و غیره از مهمترین مشکلات و دغدغه‌های نظام تربیتی است که مربیان و متولیان نظام تربیتی همواره با آن رو به رو می‌گردند و یک روش برای همه متریبان به‌طور یکسان مفید نخواهد بود.

تفاوت انسان‌ها از لحاظ استعدادهای گوناگون که برخی از نظر هوشی ضعیف و برخی دیگر

قوی هستند و دیگر تفاوت‌های که بیان شد نمی‌توان از همه متریبان انتظار یکسان داشت برای همه حکم یکسان صادر نمود تفاوت احکام از تفاوت توانایی‌های افراد پدید می‌آید اگر روزه در تابستان داغ برای جوان توانمند واجب است پیر مرد ناتوان از وجوب آن معاف شده است در برنامه تربیتی پیشرو کارآیی برنامه‌های تربیتی، استعدادیابی افراد ضرورت می‌یابد تا افراد بدرستی به سوی موضوعاتی که استعداد بیشتر دارند، هدایت گردد. این گونه برنامه‌های تربیتی کارآمد و ثمر بخش است که به متریبان مدد می‌رساند تا استعدادهای خود را شکوفا سازند.

فقیهان تربیتی رعایت تفاوت‌ها را به صورت تکلیف شرعی از آیه «لَا يَكْفُرُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» استنباط می‌کنند. خداوند که بزرگ مربی آدمیان است، همواره بر این مسأله تأکید فرموده‌اند و کسی را فراتر از طاقت و قابلیت وجودی، مورد تکلیف قرار نمی‌دهد و این روش برمحور عدالت می‌چرخد. چون عدالت می‌طلبد که افراد بر اساس استعداد و توانایی‌های خود تربیت گردد. در تفاوت‌های فردی نیز عدالت تامین گردیده که پیش از این بیان شد. اگر نظام آموزشی و تربیتی به این تکلیف عمل کنند بسیاری از مشکلات برطرف می‌گردد. تعلیمات دینی به تفاوت‌های فردی اهتمام بسیار داشته است و آن را روش مفید می‌دانسته که سبب مشارکت حداکثری مردم در برنامه‌های تربیتی می‌گردد.

از آنجایی که افراد در موقعیت‌های مختلف از توان گوناگون برخوردارند، عوامل گوناگون بر توان یادگیری و تربیت وی اثر گذار است. فردی که مریض است و یا گرسنه، یا تشویش فکر و مشکلات اقتصادی، خانوادگی و غیره دارد هرکدام از این عوامل ناخواسته بر تربیت و یادگیری او اثر می‌گذارد. توجه داشتن به عوامل تاثیر گذار انسان را در رسیدن به اهداف تربیتی یاری می‌رساند و از سوی دیگر لحاظ تفاوت‌های فردی سبب مشارکت افراد در برنامه‌های تربیتی شده و آن را مفید و اثر بخش و دست یافتنی می‌کند. بنابراین در تعیین اهداف تربیتی که متریبان باید به آن برسند توجه به تفاوت‌های فردی و استعداد یابی اجتناب‌ناپذیر است و بسیاری از مشکلات نظام‌های تربیتی از نادیده گرفتن توان فراگیران و تفاوت‌های فردی آنان است که برنامه‌های تربیتی را بی‌خاصیت و دور از دست رس جلوه می‌دهد.

## نتیجه

مطالعه در متون دین نشان می‌دهد که ادیان به خصوص دین اسلام برای اثر بخشی تربیت تلاش نموده است. از این رو یکی از شرایط امر به معروف و نهی از منکر اصل تاثیر داشتن بیان شده است این اصل ما را به روش تربیتی دین رهنمون می‌سازد که در امر به معروف باید به دنبال راه‌های بود که امر به معروف و نهی از منکر را اثر بخش می‌گرداند و تصور نشود که با عدم تاثیر تکلیف امر به معروف و نهی از منکر ساقط می‌گردد چنان که برخی گمان کرده‌اند. به نظر می‌رسد تکلیف امر به معروف و نهی از منکر ساقط نمی‌گردد چون همه آدمیان اصلاح پذیر است و با توجه به تفاوت‌های فردی هرکسی به محرک خاص واکنش نشان می‌دهد. پس راه موثری وجود دارد و مکلف باید نخست آن را بیابد. فقه تربیتی نیز مانند هر نظام تربیتی دیگر در پی روش‌های سودمند برای اثر بخشی تربیت بوده و برای کشف آن، منابع شناخته شده فقه را می‌کاود. با توجه به غنای معارف اسلام روش‌های فراوان برای اثر بخشی تربیت می‌توان کشف نمود برای کوتا نویسی تنها به چند روش مهم که فقه برای اثر بخشی برنامه‌های تربیتی آن را از آیات تربیتی قرآن استنباط نموده اکتفا شده است.

روش اول: حرمت نهادن به متربی است، این روش برنامه‌های تربیتی را اثر بخش می‌کند. چون متربی احساس شخصیت و بزرگ منشی می‌کند. هر کسی کرامت نفس یابد آن را با نافرمانی خداوند، خوار نمی‌گرداند. کسانی که در نظام تربیتی حرمت و کرامت می‌بینند خود را جدای از برنامه تربیتی احساس نکرده و خود را جزء این برنامه دانسته و برای اثربخشی آن نقش ایفا می‌کند. با کرامت و حرمت نهادن اثر بخشی برنامه‌های تربیتی تضمین می‌گردد. این روش در تمام مقاطع مختلف سنی کار برد دارد. چون حرمت نهادن تنها برای اثر بخشی تربیت در سنین جوانی و بزرگ سالی نبوده؛ حتی در کودکان و خردسالان نیز مفید است و تربیت را دلپذیر و خوش آیند می‌سازد تا در سایه حرمت گذاری به متربیان برنامه‌های تربیتی اثر بخش گردیده و کار کرد مفید از خود برجای گذارد.

روش دوم: دادن اختیار و مسئولیت به متربیان است. برای این که انسان نقش فعال در برنامه تربیتی ایفا کند لازم است به وی اختیار و مسئولیت داده شود تا با مشارکت فعال در برنامه‌های

تربیتی این برنامه را اثر بخش نموده و اثر عمیق ببخشد. وقتی به کسی مسئولیت داده می‌شود او مکلف به پاسخ‌گویی در حوزه مسئولیت خود بوده و می‌توان کارکردهای وی را سنجش و ارزیابی نمود. مسئولیت سپردن به انسان همواره در اسلام مطرح بوده تا این روش سودمند برای اثر بخشی برنامه‌های تربیتی نهادینه گردد.

روش سوم: برنامه‌های تربیتی بایستی عقلانی و مفید و قابل بهره‌گیری باشند تا متریان برنامه‌های تربیت را با آغوش باز بپذیرند. برنامه‌های که موهوم غیر قابل اجرا یا غیر مفید برای زندگی باشد از سوی متریان مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد و گاهی اثر معکوس و نا مطلوب بر متریان بگذارد.

روش چهارم: عدالت‌ورزی و انصاف برای تربیت پذیری است با این روش نیز می‌توان برنامه‌های تربیتی را ثمر بخش نمود. عدالت و قرار دادن هر چیز در جای خودش از جمله روش‌های کارآمد است که در فرایند تربیت مفید واقع می‌گردد. در تربیت اسلامی برای اینکه مشارکت فعال متریبی در روند تربیت پذیری جلب گردد عدالت‌ورزی در تمام ساحت‌های تربیتی توصیه شده است.

روش پنجم: توجه به تفاوت‌های فردی و استعداد یابی است. تفاوت انسان‌ها از لحاظ استعدادها گوناگون که برخی از نظر هوشی ضعیف و برخی دیگر قوی هستند و دیگر تفاوت‌ها نمی‌توان از همه متریان انتظار یکسان داشت برای تربیت درست و کارآیی برنامه‌های تربیتی، استعداد یابی افراد ضرورت می‌یابد تا افراد بدرستی به سوی موضوعاتی که استعداد بیشتر دارند، هدایت گردد. این گونه برنامه‌های تربیتی کارآمد و ثمر بخش است که به متریان مدد می‌رساند تا استعدادهای خود را شکوفا سازند.

## کتابنامه

---

- قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم: بی‌تا.
- نهج البلاغه، شرح صبحی صالح، قم: دارالهجره، ۱۴۱۲ق.
- طباطبائی، محمد حسین. تفسیر المیزان، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
- لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم والمواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.





